

اگر پراکنده بودیم

(در حاشیه اول مه سنندج)



و مردم آزادیخواه طی ابتکارات گوناگون روز کارگر را ارج گذاشتند.

اول مه امسال و کشمکش با جمهوری اسلامی

در اول مه امسال جمهوری اسلامی کشمکشی را بر کارگران تحمیل کرد. مدتها قبل از اول مه محمود صالحی رهبر کارگری شناخته شده را زندانی کرد. در همه شهرها با تقاضای مجوز برگزاری مراسم روز کارگر مخالفت کرد. تهدید پنهانی و آشکار فعالین و دست اندکاران اول مه در دستور کارشان بود. کارشکنی و اعمال محدودیت در قبال جشن کارگران آشکار بود. در روز اول مه در شهر سنندج و مریوان و سقز تعداد زیادی از شرکت کنندگان **ص ۲**

رحمان حسین زاده

برگزاری جشن اول مه در شهرهای کردستان و بویژه در سنندج یک سنت جاافتاده است. شدت کارشکنی ها و سرکوبگری امسال جمهوری اسلامی و ترفندهای ضد کارگری دم و دستگاه اداری و انتظامی آن برای مقابله با جشن کارگران، این هدف را تعقیب میکرد که سالی بدون تجمع و مراسم و حرکت کارگری در اول مه را به جامعه تحمیل کند. کارگران را به حضور در مراسمهای کنترل شده خانه کارگرو قانع کند. اما کارگران و دست اندکاران اول مه با تجمع و ابراز وجود اعتراضی این هدف جمهوری اسلامی را خنثی کردند. امسال نیز سنت تحرک کارگری اول مه در شهرهای کردستان تداوم پیدا کرد. در سنندج و مریوان و کامیاران و بوکان و سقز و پیرانشهر کارگران

مظفر محمدی

کارگران زندانی باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند



بیش از یکهفته از بازداشت کارگران و فعالین کارگری به جرم برگزاری مراسم اول مه در شهر سنندج میگذرد. کمپین ها و تلاشهای زیادی در داخل و خارج کشور برای آزادی این کارگران شروع شده است. از جمله کمپین آزادی کارگران سنندج از طرف برهان دیوارگر از فعالین جنبش کارگری. **ص ۳**

جنبش معلمان بر سر دو راهی

بیش از ۵ سال از اعتراض و مبارزه معلمان برای افزایش حقوق و نجات زندگی خود و خانواده هایشان از فقر و فلاکتی که به آنها تحمیل شده و برای تغییر محیط خفقان آور مدارس و خاتمه دادن به دخالتهای مذهبی و پلیسی و عدم آزادی بیان و تجمع و تشکل ... میگذرد. **ص ۴**

در ماجرای قتل "دعا" مقصر کیست؟

پری زارع

درنده خوبی و بیرحمی با زنان در کشورهای با سیستمهای ارتجاعی، مذهبی و مردسالار پدیده ی تازه ای نیست. قتل ناموسی بطور روزمره آشکارا و پنهان و به اشکال مختلف از میان زنان و دختران این جوامع قربانی میگردد. اما سنگباران کردن دعای ۱۷ ساله توسط عده ای از مردان عشیره اش و جلو چشم پلیس حکومت محلی در روستای "بعشيقه" از توابع موصل و ضبط و پخش مراسم قربانی کردن او چهره این خشونت و قساوت را هولناکتر کرد. قتل "دعا" عکس العمل مردمان زیادی را در عراق و جهان برانگیخت. **ص ۵**

- **قطعنامه پایانی تجمع خانواده های کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه ...**
ص ۳
- **سخنرانی مریم افراسیابور در تجمع ۲۵۰۰ نفره کارگران سوئد و فراخوان دفاع از کارگران ایران**
ص ۶

پنوشنبه ما
منتشر میشود

اکتبر ۱۴۰

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۱۰ مه ۲۰۰۷

سردبیر: رحمان حسین زاده
husienzade_r@yahoo.com
دستیار سردبیر: پری زارع
Pari.zarea@gmail.com

www.oktoberr.org

خالد سواری آزاد شد

بقیه دستگیر شدگان اول مه سنندج فوری باید آزاد شوند

بنا به خبر سایت اتحاد، خالد سواری از فعالین کارگری دستگیر شده اول مه سنندج بعد از ظهر دیروز 19 اردیبهشت با قرار وثیقه پنج میلیون تومانی آزاد شده است. قرار است امروز 9 نفر دیگر از دستگیر شدگان با قرار وثیقه آزاد شوند. طبعاً آزادی خالد سواری و آزادی احتمالی هر تعداد دیگر از دستگیر شدگان اول مه سنندج نتیجه مستقیم اعتراض و مبارزه پیگیر خانواده دستگیر شدگان و اعضای اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار و کمپینهای اعتراضی در داخل و خارج کشور است. هر قدم از عقب نشینی جمهوری اسلامی را باید به حلقه تداوم مبارزه پیگیر تا آزادی کامل همه دستگیر شدگان سنندج و محمود صالحی تبدیل کرد. کارگران و فعالین دستگیر شده هیچ جرمی مرتکب نشده اند. بهانه های جمهوری اسلامی مبنی بر قرار وثیقه و ادامه بازداشت دستگیر شدگان سنندج و محمود صالحی چیزی جز ادامه قلدری و زور گویی این رژیم ضد انسان در یک تناسب قوای نامساعد نیست. این وضعیت را با پیگیری مبارزه متحدانه میتوان تغییر داد ز هنوز در صف اعتراض خانواده ها و اعضای اتحادیه کارگران بیکار و اخراجی جای توده وسیع کارگر و مردم آزادیخواه سنندج خالی است. هنوز مراکز کارگری و محلات و دانشگاه ها در سنندج سهم خود را در تقویت این اعتراض ایفا نکرده اند. هنوز با هوشیاری کامل ترفندهای جمهوری اسلامی خنثی نمیشود. جمهوری اسلامی میخواهد با آزاد کردن جداگانه و یا فردی دستگیر شدگان، صف اعتراضی برای آزادی فوری و بی قید و شرط همه دستگیر شدگان را پراکنده کند. از هم اکنون میخواهد با جدا کردن پرونده صدیق کریمی و شپث اماتی زمینه زندانی کردن طولانی مدت آنها را فراهم کند. این همان ترفندی که در جریان مبارزه کارگران سندیکای شرکت واحد تهران منصور اسانلو را هم از بقیه جدا کرده و طولانی مدت او را زندانی کردند. کمیته کردستان حزب حکمتیست، کارگران و مردم آزادیخواه سنندج را به تداوم اعتراض متحد و محکم تا آزادی کامل همه دستگیر شدگان و محمود صالحی فرا بخواند. لازمست با هوشیاری ترفندهای جمهوری اسلامی برای ایجاد صف تفرقه در صفوف اعتراض مبارزانی کنونی را خنثی کرد.

کمیته کردستان حزب حکمتیست
۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۶ - ۱۰ مه ۲۰۰۷

مرگ پر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱

اگر پراکنده نبودیم

... کنندگان اول ما را دستگیر کردند. در میون و سندج به اجتماع اول ما حمله کردند. به این ترتیب در یک تناسب قوای نامساعد دولت اسلامی حامی سرمایه داران کشمکش را بر کارگران تحمیل کرد. همین کشمکش و نگرانی از قبل، مانع اصلی وسیعتر شدن مراسم کارگری اول ما بود. همین واقعه دامنه عمل حرکت کارگری اول ما امسال را محدود کرد. اگر اعمال فشار و سرکوبگری و بگیر و ببند جمهوری اسلامی نبود، مراسمهای متنوع روز کارگردر همه شهرها ابعاد گسترده و وسیع به خود میگرفت. اگر این رژیم تنها یکبار جرأت کند و چماق و سرکوب را از بالای سر کارگران بردارد. آنوقت شاهد قدرت واقعی کارگر و مردم آزادیخواه در روز کارگر، خواهیم بود. سرکوبگری جمهوری اسلامی مانع عمده ابراز وجود قدرتمند کارگران و مردم آزادیخواه در روز کارگر امسال بود. اما تنها مانع نبود.

پراکندگی دست اندرکاران اول ما

علاوه بر فشارها و سرکوبگریهای جمهوری اسلامی پراکندگی در صف فعالین و برگزار کنندگان مراسم روز کارگر، عامل مهم دیگر محدود شدن دامنه حرکت کارگری در اول ما بود. تدارک برگزاری مراسمهای اول ما از مدتها قبل در شهرهای مختلف در جریان بود. در جریان این تدارک سنت و روش کار سکتاریستی و فرقه گرایانه و تفرقه افکنانه کاملاً قابل مشاهده بود. این پدیده متأسفانه دامن فعالین کارگری و برگزار کنندگان اول ما امسال را جدی تر از گذشته گرفته بود. ما این را پیش بینی کردیم و به سهم خود در نوشته ها و میزگردها و مباحث و تبلیغات خود قبل از اول ما در مورد لطامات این پدیده در مناسبت روز کارگر هشدار دادیم. تاکید کردیم وجود گرایشهای مختلف در جنبش کارگری و به طبع آن اختلاف نظر در میان دست اندرکاران اول ما نباید مانع به میدان آوردن نیروی وسیع کارگر و مردم آزادیخواه و به این اعتبار برگزاری بزرگترین اجتماعات کارگری در مناسبت روز کارگر باشد. گفتیم در این راستا بر منفعتهای مشترک و خواسته و مطالبات مشترک کارگری و ویژه اول ما میتوان تاکید کرد. به نظرم رهبران و

فعالین کارگری که میخواستند، در صف آرایی امسال کارگران با سرمایه داران و دولت حامی نیروی وسیع و قدرتمند کارگرها به میدان بکشاند، قطعاً میتوانستند بر کشمکشهای سکتی، تفرقه افکنانه و محدود نگرانه فایق آیند. حول هدف و خواست و مطالبه مشترک بیشترین نیروی کارگر و انسان آزادیخواه را به میدان بکشند. چنین نشد. افق و سیاست محدود نگرانه و فرقه گرایانه لاجرم نمیتواند جز نیروی محدود و فرقه خود، توده وسیع کارگر و مردم را به میدان بیاورد. متأسفانه در اول ما امسال و از جمله در سندج این اتفاق افتاد. برگزاری اول ما امسال را میتوان با دو سال قبل در همان شهر مقایسه کرد. دوسال قبل با وجود حضور گرایشهای مختلف و بروز اختلاف نظرات در پروسه تدارک اول ما نهایتاً یک کمیته واحد برگزاری اول ما از گرایشهای مبارز و رادیکال دست اندرکار روز کارگر به وجود آمد. علیرغم مخالفتهای جمهوری اسلامی و عدم صدور مجوز متینگ و راهپیمایی روز کارگر با قدرت برگزار شد. اما امسال نفس اعلام سه کمیته برگزاری و با سه فراخوان جداگانه واضح بود که صفوف کارگران و مردم آزادیخواه را در اول ما چند تکه میکند. واضح بود نیروی جنبش ما متحد در روز کارگر ظاهر نمیشود و دشمنان کارگر و جمهوری اسلامی به نفع خود از آن استفاده میکنند. این پراکندگی باعث شد، تجمع و راهپیمایی جلو اداره کار سندج با نیروی محدود کارگران و مردم برگزار شود. نتیجتاً جمهوری اسلامی دست خود را برای حمله به آنها بازتر ببیند و متأسفانه تعداد قابل توجهی از شرکت کنندگان و دست اندرکاران روز کارگر را دستگیر و تاکنون در زندان نگاه دارد. اگر به جای تدارک مراسمهای جداگانه برای مثال همه در همین مراسم و متینگ جلو اداره کار صف میکشیدند. قاعدتاً نیروی بیشتر و وسیعتر حضور پیدا میکرد و قطعاً سرکوبگران جمهوری اسلامی در مقابله با نیروی وسیعتر کارگر و مردم محتاط تر و احتمالاً ناکام میماندند.

درسی که باید گرفته شود

اول ما امسال را پشت سر گذاشتیم. اما تحرک اعتراضی کارگرو مردم استمرار دارد. اتحاد صف مبارزاتی کارگران و مردم از نان شب واجب تر است. فرقه گیری، سکتاریسم و محدود نگری یک عامل مهم پراکندگی صف کارگران و مردم است.

هر رهبر و فعال کارگری رادیکال و چپ و هر جریان و گرایش سیاسی متعهد به مبارزات کارگران و مردم که در هر قدم از فعالیت خود اتحاد و سازمانیافتگی و تغییر تناسب قوا به نفع کارگران و مردم و جامعه را سرلوحه کار خود قرار داده است و نه منفعت محدود گروهی و فرقه ای، موظف به حاشیه ای کردن سیاست سکتی و غیراجتماعی و مضر برای مبارزات کارگری و توده ای است. همین الان ایجاد صفی متحد و گسترده برای آزادی دستگیر شدگان اول ما سندج قاعدتاً باید هر نوع منفعت گروهی و سکتی و محدود نگرانه را کنار بزند و بعد از اول ما امسال این اولین آزمایش مهم و تعیین کننده فایق آمدن بر پراکندگی در امر مبارزاتی مشترک و انسانی است.

شروع بکار تلویزیون هر روزه پرتو



برنامه آزمایشی هر روزه تلویزیون پرتو از تلویزیون کانال ۶ روی ماهواره هات برد Hotbird پخش میشود. کانال ۶ پروژه مشترک حزب حکمتیست (تلویزیون پرتو) و کنگره آزادی عراق (تلویزیون سنا) است. مشخصات پخش به شرح زیر است:

Satellite: Hotbird 8
Orbital Position: 13 degrees East
Transponder: 14
Downlink Frequency: 11 470
Downlink Polarity: Vertical
FEC: 5/6
Symbol Rate: 27,500

برنامه های تلویزیون پرتو هر شب از ساعت ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ شب بوقت تهران پخش میشود. این برنامه روز بعد ساعت ۲ تا ۳ بعد از ظهر روی همین کانال تکرار خواهد شد. علاوه بر این روزهای جمعه تلویزیون پرتو از ساعت ۷:۳۰ تا ۸:۳۰ شب به زبان کردی نیز برنامه خواهد داشت.

روابط عمومی کمیته کردستان حزب حکمتیست

esmail.waisi@gmail.com

تلفن تماس: ۰۰۳۵۸۵۰۳۵۷۳۵۶۴

آزادی، پراپیری، حکومت کارگری!

کارگران زندانی باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند

... بازداشت کارگران به خاطر برگزاری مراسم اول مه که یک روز جهانی طبقه کارگر است و میلیونها کارگر در سراسر جهان آن را برپا میکنند، کینه و دشمنی آشکار جمهوری اسلام با کارگران ایران و کل طبقه کارگر جهانی است. از یک رژیم ضد کارگران قابل انتظار بوده و هست. هم برای رهبری اتحادیه کارگران اخراجی و بیکار و هم کارگران و مردمی که خود را برای شرکت در مراسم اول مه سندج آماده کرده بودند این قابل پیشبینی بود.

در نظام استبدادی و مذهبی که حتی آتش روشن کردن در نوروز ممنوع است و یا حتی انتخاب پوشش زنان که نصف ساکنین این کشور را تشکیل میدهند با اجازه آخوند و پلیس است، برگزاری اول مه جشن جهانی کارگران هم باید ممنوع باشد.

امروز در این مملکت هر حرکتی ولو کوچک، تلاشی انسانی بر علیه این سیستم ضد زن، ضد کارگر و ضد انسان است. تلاشی انسانی برای تغییری در شرایط کار و زندگی فلاکتباری است که به طبقه کارگر تحمیل شده است. تلاشی است برای دفاع از آزادی و حرمت انسانها از زن و مرد و کودک. تلاشی است برای رهایی اخلاقی و فرهنگی جوانان از دخالت در خصوصی ترین زوایای زندگیشان...

تلاش بخشی از کارگران و فعالین کارگری سندج که میخواستند در روز اول مه ادعای شان را علیه سیستم بردگی و بهره کشی انسان از انسان به جامعه اعلام کنند، جزئی و بخشی از کل تلاشهای انسانی در جامعه ما برای آزادی و برابری است. این تلاشها را باید ارج

نهاد و از آن حمایت به عمل آورد. کارگران دستگیر شده در مراسم اول مه سندج باید فوری و بی قید و شرط آزاد شوند. مجرمین و غاصبان نان سفزه کارگر و مردم، قاضی و بازجو و زندانبان کارگرانی شده اند که فقط میخواستند اند جشن کارگری سالی یک روزشان را برگزار کنند. اگر قرار است کسانی محاکمه شوند همین مجرمین و غاصبات حقوق کارگر و زن و جوان این مملکت اند.

علاوه بر این مانور دم و دستگاههای دولتی از قبیل شورای شهر و استانداری و از این قبیل نیز برای لاپوشانی این جرمی که در حق کارگران روا داشته میشود، محکوم است. این وساطت ها بخشی از ترفند اداره اطلاعات و پلیس رژیم است. این وقت کشی و فرسوده کردن کارگران و خانواده هایشان است. این انتقام گیری از کارگر است. کارگری که به نظام بردگی مزدی معترض است و خواهان دنیایی بهتر و انسانی و آزاد و برابر است.

راه مقابله با این دشمنان طبقه کارگر و میلیونها زن و جوان در جامعه ما، بهم پیوستن جویبارهای مبارزه و اعتراضی است که هر روزه از این و آن گوشه مملکت جاری است. همبستگی سراسری و طبقاتی کارگران در همه مراکز کار و همه کارگران شاغل و بیکار است. همبستگی و حمایت مردم شهر سندج اعم از کارگر شاغل و بیکار و زن و مرد و جوان و معلم و کارمند و بازاری است.

جدا داشت و دارد کارگران شاغل و بیکار از خیازان و شهرک صنعتی و مراکز کارگری و پاتوقهای بیکاران ی اعتراض میکردند، اعتصاب میکردند. تومارهای حمایتی مینوشتند. جدا داشت کارمندان و معلمان دخالت میکردند و حمایت میکردند. جدا داشت مردم شهر بازاریها و کسبه و رانندگان اتوبوس و تاکسی و دیگر

اقشار زحمتکش اعلام میکردند اگر کارگران را آزاد نکنید تحصن میکنیم، بازار را تعطیل میکنیم و شهر را تعطیل میکنیم. جدا داشت و هنوز هم دارد که صدها و هزاران زن و مرد کارگر شاغل و بیکار و جوانان و دانشجویان و مردم بهمراه خانواده های کارگران زندانی جلو زندان و دادگاه و ... اجتماع و اعلام همبستگی میکردند... نباید به این مجرمین اجازه داد که کارگران را به خاطر مراسم اول مه به دادگاه بکشانند. نباید اجازه داد حتی یک ساعت و یک روز دیگر این دوستان مردم در زندان بمانند. نباید خانواده این کارگران را در تلاش برای آزادی عزیزانشان تنها گذاشت. مقامات دولتی، زندانبانان، قاضی دادگاه و ماموران مستقر در شورای شهر و استانداری و ... باید از عمل زشت و ضدکارگری دستگیری و زندانی و محاکمه کارگران شرم کنند. اینها همه در این کار ضد انسانی شریک جرم اند.

جمهوری اسلامی مانع برگزاری ۸ مارس شد. دیروز ۱۸ اردیبهشت مانع تجمع معلمان شد و حتی آنها را در پیاده رو خیابانها دستگیر کرد، مانع برگزاری اول مه شد. باید این جانین سرکوبگر را سر جایشان نشانند. تلاش برای آزادی کارگران دستگیر شده اول مه سندج، دفاع از آزادی و حرمت انسانی همه ما است. اعتراض به قلدری و پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی ما از جمله آزادی بیان و تشکل و تجمع است. با دخالت و شرکت در تحرک و اعتراض به دستگیری کارگران و برای آزادی فوری و بی قید و شرطشان، تضمین میکنیم که دست بلند کردن رژیم روی کارگر و زن و جوان و هر شهروندی آسان نیست و تاوان دارد. غاصبان و زورگویان باید تاوان دست درازیهایشان را به حقوق کارگر و زن و مرد و جوان بدهند.

قطعنامه پایانی تجمع خانواده های کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه و اتحادیه سراسری

کارگران اخراجی و بیکار

در مورخه ۱۹/۲/۱۳۸۶ در مقابل دادگاه عمومی میدان بسیج سندج

ما اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و خانواده های کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سال ۱۳۸۶ در شهر سندج، آقایان: شیث امانی - خالد سواری - صدیق کریمی - اقبال لطیفی - یدالله مرادی - نجمه الدین رجبی - فارص گویلیان - صدیق امجدی - حبیب الله کلکانی - محی الدین رجبی - صدیق صبحانی و طیب چتانی اعلام میداریم:

۱- بنا بر حقوق انسانی ما و بنا بر مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار که دولت جمهوری اسلامی توافق به اجرای آنها کرده است، برگزاری مراسم اول ماه مه و تجمع اعتراضی حق مسلم کارگران است.

۲- ما بازداشت و ضرب و شتم کارگران در مراسم اول ماه مه امسال را بشدت محکوم می کنیم و خواهان محاکمه عاملین و آمرین حمله به تجمع اول ماه مه هستیم.

۳- کارگران زندانی باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند. این کارگران کاری جز برگزاری مراسم اول ماه مه و دفاع از حقوق انسانی خود انجام نداده اند، لذا ما پیشاپیش طرح هر گونه اتهام دیگری را به همکاران و همسران خود بشدت محکوم میکنیم و همین امروز و فوراً خواهان آزادی آنان هستیم.

۴- ما حق خود میدانیم که در صورت تداوم بازداشت همکاران و همسران خود و عدم آزادی بی قید و شرط آنان اقدامات اعتراضی خود را تشدید کنیم، لذا چنانچه همکاران و همسران ما حداکثر تا روز شنبه مورخه ۲۲/۲/۱۳۸۶ آزاد نشوند پس از آن، به ناچار حداکثر تا روز دوشنبه ۲۴/۲/۱۳۸۶ طی فراخوانی اقدام به تجمع و یا تحصن نا محدود در مقابل خواهیم کرد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

خانواده های کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه سندج

۱۹/۲/۱۳۸۶

از صفحه ۱

جنبش معلمان بر سر دوراهی!

... این جنبش تا کنون فراز و نشیبهایی داشته است. ما بارها تاکید کردیم که،

مبارزه معلمان و مطالباتش عادلانه و انسانی و برحق است و میتواند و باید مورد بیشترین حمایت‌های اجتماعی قرار گیرد.

معلمان به دلیل حوزه نفوذ و تاثیرشان که بیشترین خانواده‌ها و جوانان و نوجوانان جامعه را در برمیگیرد و ابعادش به چند ده میلیون میرسد، از جایگاه اجتماعی بسیار قوی برخوردارند و سمپاتی عمومی جامعه را با خود دارند.

و بالاخره معلمان متشکل اند و تشکلهای صنفی خود را دارند.

ما همچنان تاکید کرده و میکنیم که

اولا معلمان از نیروی اجتماعی خود به نحو مطلوب استفاده نمیکنند. از دخالت دادن دانش آموزان و اولیایشان در مبارزه برحق و انسانی‌شان و در بسیج علنی و صریح آنها ناتوان و عاجز بوده اند.

دوم اینکه تاکتیکهایی که معلمان در مبارزه خود انتخاب کرده اند بجز در مواردی کمتر رادیکال و موثر بوده است. من همیشه بر این باور بوده ام که تحصن در مدارس و تنها گذاشتن دانش آموزان در

کلاسهای درس جز بلامتکلیف گذاشتن و بی تفاوت کردنشان در سرنوشت خود و معلمانشان سودی نداشته و ندارد. یا اجتماعات مکرر در جلو مجلس و وزارت یا ادارات آموزش و پرورش نمیتواند یک روش دایمی مبارزه معلمان باشد و برد معین و محدودی دارد. آخرین تلاش معلمان دیروز ۱۸ اردیبهشت برای تجمع در جلو مجلس با مانع سرکوب ماموران رژیم مواجه شد و اساسا تجمعی صورت نگرفت.

سوم و بالاخره بارها بر موثر و کارا بودن اعتصاب سراسری معلمان تاکید داشته ایم. این کاری است

که میتواند برای مبارزه معلمان و پاسخ و عکس العمل دولت تعیین تکلیف باشد.

اعتصاب تنها حربه موثر و کارساز است. در یک اعتصاب سراسری معلمان به مدرسه نمیروند و در این مبارزه همه درگیرند. علاوه بر آن معلمان متشکلند و نمایندگان خود در رهبری تشکلهای صنفیشان را دارند. این نمایندگان طرف حساب و مذاکره با دولت و وزارت و ادارات آموزش و پرورش اند. این وزارت آموزش و پرورش است که باید دنبال معلمان و نمایندگانشان بدود و از آنها آورد.

خواهش کند که سر میز مذاکره بیایند. این دولت است که باید نه تنها به معلمان بلکه به میلیونها دانش آموز و دهها میلیون اعضای خانواده هایشان و به جامعه توضیح دهد که چرا جواب خواستههای برحق معلمان را نمیدهد؟

در یک اعتصاب سراسری، دولتی‌ها چند معلم را میتوانند دستگیر کنند؟ گیریم سراغ نمایندگان تشکلهای صنفی رفته و طبق معمول خودشان تعدادی را دستگیرکنند ولی باز اعتصاب معلمان تا تحقق مطالباتشان و تا آزادی دستگیر شدگان ادامه خواهد داشت.

اکنون معلمان بر سر یک دوراهی قرار دارند. راه برگشت وجود ندارد. زندگی و کار کنونی معلمان قابل تحمل نیست. فقر و تنگدستی بیداد میکند و زندگی نمیگذرد. بنا بر این یک راه این است که

معلمان به همین شیوه کنونی و گاه و بیگاه تحصن در مدارس، تجمع جلو مجلس و وزارتخانه یا ادارات آموزش و پرورش در هر محل و یا اعتصابهای محدود و ناهماهنگ و غیر سراسری ادامه دهند که تجربه نشان داده است کارساز همه ما است.

گروههای گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی به پیوندید!

مردم انقلابی در کردستان، جوانان انقلابی و آزادیخواه!

هر جا که هستید، در هر محله و در هر شهر و روستا دور هم جمع شوید و گارد آزادی را تشکیل دهید.

۱- هر دو تا شش نفر که همدیگر را میشناسید و به هم اعتماد دارید مخفیانه یک گروه گارد آزادی تشکیل دهید.

۲- برای گروه خود یک نام انتخاب کنید.

۳- با ما تماس بگیرید. از طریق دوستان، آشنایان یا اقوام خود در عراق یا خارج کشور و یا هر شیوه مطمئن دیگری خود را به کمیته سازماندهی و فرماندهی گارد آزادی در کردستان متصل کنید.

۴- از هر طریق که میتوانید خود را مسلح کنید.

۵- عوامل و امکان علنی و مخفی نظامی، انتظامی و جاسوسی رژیم را شناسائی کنید.

۶- تلاش کنید فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه در محل را گسترش دهید.

۷- در محله خود، نفوذ، اعتبار و محبوبیت کسب کنید. حافظ اصلی واحد های گارد آزادی نفوذ و محبوبیت آنها در میان مردم است.

۸- تلاش کنید که در محل تان فرهنگ پیشرو حاکم باشد و بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان و تعرض به حقوق کودک و آزادی اندیشه و بیان مقاومت شکل بگیرد.

۹- فضای محله را نسبت به تبلیغات قوم پرستانه آگاه و حساس کنید و این نیرو هائی که بر قوم پرستی و عقب ماندگی سرمایه گذاری میکنند را ایزوله کنید.

۱۰- مطلقا بدون اجازه ما اقدام به عملیات یا نمایش نظامی نکنید.

در ماجرای قتل دعا مقصر کیست؟

... برخورد به این مسئله به اشکال مختلف صورت میگیرد و هر کس به نوعی عکس العمل انسانی و طبیعی خود را ابراز میکند. از راه اندازی کمپینهای اعتراضی در داخل و خارج کردستان و تظاهرات خیابانی در بسیاری از شهرهای عراق از جمله سلیمانیه، اربیل، موصل، دهوک، کرکوک، کوی و... گرفته تا امضای طومارهای اعتراضی توسط نهادها و شخصیتهای انساندوست و مترقی و درخواست اعلام عزای عمومی در روز ۷ مه، برگزاری میزگردهای رادیویی و تلویزیونی، برپایی مراسم یاد بود، گفتن و نوشتن در باره آن در روزنامه ها و سایتها و اشک ریختنها و بغض ترکیدنها... همه و همه نشان میدهد که در جهان امروز و در عمق شرایطی که نظم جهانی نوین امریکایی بر بخش وسیعی از جامعه انسانی از جمله عراق تحمیل کرده، انسانیت هنوز زنده است. انزجار مردم نسبت به قتل و کشتار به هر بهانه ای و تقبیح بی حرمتی و خشونت به زنان در همه ابعاد و اشکال آن در جریان قتل دعا بار دیگر خود را نشان داد و به انسان متمدن و نگران امروز امیدی تازه بخشید.

وقتی پای درد دل زنان می نشینی صحبت از احساس ترس و ناامنی و دلهره فزاینده ای است که وجودشان را در بر گرفته است. آنان در هراسند که مبادا عقب ماندگی و فرهنگ و سنن زن ستیز که با حمایت دولت و قانون و در پناه مذهب همچنان تداوم میابد، همانند دعا آنها و عزیزانشان را نیز در هم بشکند. برآستی سرنوشت دعا چه آسان میتواند در انتظار هر یک از آنان باشد.

ابعاد این جنایت پیچیده است و سوالات زیادی برای مردم مطرح است. از جمله اینکه در این ماجرا مقصر کیست و چه باید کرد تا اینگونه اعمال شنیع و ضد انسانی تکرار نشوند؟

در این رابطه هر کس پاسخ خود را دارد. علی رغم اختلاف نظرها همه در یک احساس شریک اند و آن خشم و نفرت عمیقی است که از قاتلان دعا در دل آنان موج میزند.

مردم عادی، خانواده و طایفه دعا را مقصر میدانند. میگویند این فرهنگ عشیره ای آنها ست که نشأت گرفته از "ایزدی" بودنشان است. دولت محلی این قضیه را مسئله ای فرهنگی - طایفه ای میدانند. روشنفکران و فعالین حقوق زنان و مدیا و مطبوعات ضمن محکوم نمودن آن خواستار اقدام دولت و قانون در شناسایی عاملین این قتل و

مجازات آنها هستند. همچنین تاکید بر کار آگاهگری و روشنگرانه و دخالت نهادها و شخصیتهای فرهنگی - اجتماعی و فعالین حقوق بشر در راه اندازی یک نهضت آگاهگری در نظراتشان برجسته است. بعضا هم به ریشه های این مصائب مانند مذهب و مردسالاری و قومپرستی و غیره هم اشاراتی میشود.

اسلامیهای منطقه هم پاسخ خود را دارند. آنها مستقیما وارد عمل شده و جنگ صلیبی مسلمان - ایزدی براه انداخته اند. مرگ دعا برای آنان بهانه ای شده تا به جان ایزدیها بیافتند و قلع و قمعشان کنند.

یک طرف قضیه کسانی قرار دارند که دور هم جمع شده و فرقه و سکتی به نام ایزدی و به قول کردی آن "ایزدی" سرهم بندی کرده اند، انسانهای عمدتا فقر زده ای که زن در میانشان تحقیر شده، بی حقوق، و قربانی تعصبات سکتی و مذهبی و ارتجاعی است. آن طرف هم اسلامیها و تروریستهای اسلامی متحجر و ضد زن اند که به بهانه دفاع از دعا (که به گفته آنان مسلمان شده بود) در شیپور جنگ اسلام و ایزدی میدمند. آشکارا به آنان اولتیماتوم میدهند که یا اسلام را میپذیرند و یا آنقدر تحت فشار قرار خواهند گرفت که مجبور به ترک محل زندگیشان شوند تا در خارج از مرزهای نسبتا امن شمال عراق آسانتر در تیررس اسلامیها قرار گیرند. این تهدیدات باعث شده بسیاری از کارگران و دانشجویان و دانش آموزان ایزدی در شهرهای دیگر از ترس جان دست از همه چیز کشیده و به روستاها و مناطق خود بازگردند. تا کنون دهها هزار ایزدی به قصد پناهنده شدن به کشورهای اروپایی به سوریه پناه برده اند...

اینکه اسلامیها میگویند دعا پس از آشنایی با دوست پسر عرب مسلماننش به اسلام تغییر دین داده بود از این رو آنها مدعی خونخواهی او هستند، راستش دیگر زیادی مضحک است. در حالیکه خود همینها با پشتگرمی و حمایت حکومتهای مرتجع و جنایتکاری چون جمهوری اسلامی و سوریه و عربستان و... از هر سو در حال بهم ریختن مدنیت جامعه اند، تهدید میکنند، سرمیبرند، میسوزانند، ترور میکنند، صف انتظار کار و نان و خواربار زن و مرد و کارگر بیگناه را به خون میکشند، مدرسه و مهد کودک و بیمارستان را با خود به هوا میبرند، کسانی که سنگسار و قتل زنان از ارکان دینشان است و برایش قانون و قوه مجریه هم دارند، دم از خونخواهی دعا میزنند. امروز دیگر واقعیت بر خیلپها روشن است. این دار

و دسته های تروریست حرفشان چیزی نیست جز اینکه دعا مسلمان بود و حق ما بود که جانش را بگیریم!

آخوند محل سکونت من از بلندگوی نمازجمعه فریاد میزد " شما که دعا را کشتید چرا به این شکل کشتید؟ چرا او را پیش چشمان حریص مردان نامحرم نیمه برهنه کردید؟! "

بله، مشکل اینها نه با قتل یک انسان بلکه با شیوه ارتکاب آن است. ارتباط عاطفی دو انسان اگر میان همین اسلامیها بدون اجازه شرع و آخوند اتفاق بیافتد نتیجه اش همان بلایی است که ایزدیها بر سر دعا آوردند ...

اینکه در محکومیت این جنایات صداهای اعتراضی بسیاری بگوش میرسد و حرکتهای انسانی زیادی در حال تداوم است، بسیار مثبت و حد اقل انتظاری است که از انسان متمدن امروز میرود. میشود یک جنبش اجتماعی - فرهنگی علیه تحقیر زن و بی حقوقی و بی حرمتی نسبت به زنان و علیه قتل دعاها به راه انداخت و خیلی کارهای انساندوستانه دیگر کرد که در بالا به گوشه هایی از آنها اشاره کردم.

اما واقعیت تلخ اینست که با همه اینها پروسه خشونت و کشتار زنان کماکان ادامه دارد. امروز تحرکی علیه جنایتی راه میافتد در حالیکه هم زمان اتفاق دیگری در حال وقوع است. نقشه و نقشه های دیگری برای زنان در حال طرح ریزی است که در روزها و هفته های بعد به اجرا در خواهد آمد. الزاما نه به این شناخت. اما بی حقوقی و خشونت به زنان در قالب آپارتاید جنسی، نگاه تحقیر آمیز به زن و درجه ۲ دانستنش، گرفتن امنیت از او در خانواده و جامعه تا وادار کردنش به خودکشی و خودسوزی و قتل و سنگسار کردنش در بسیاری از نقاط دنیا کماکان ادامه دارد.

سوال اینست که بالاخره آدم باید یقه که را بگیرد؟

یقه اسلامگراها یا فرقه ایزدیها را باید گرفت؟ ناموسپرستی در پناه مذهب را باید لعن و نفرین کرد؟ مرد سالاری و ارتجاع را باید کوبید؟ دولت اسلامی، قومی عراق و حاکمان محلی را باید نقد کرد؟ قوانین ارتجاعی را باید از کتابهای قانون زدود و قانون متمدنانه را جایگزین کرد؟

هیچ جای شکی نیست که جنایتکاران باید مجازات شوند. همزمان باید به تعرض اسلامیها و تروریستها افسار زد و شیپور جنگ مذهبی را از دستشان انداخت. به این جنایات باید اعتراض کرد و خشم و نفرت جامعه متمدن را متوجه آن کرد. همه این کارها را باید کرد.

تنها راه این است که طبقه کارگر، جنبش برابری خواهی زن و مرد و جنبش آزادیخواهی مردم به میدان بیاید و با قدرتهای حاکم تعیین تکلیف کند. باید قدرت را از حاکمان مرتجع کنونی در کشورهای اسلامزده و عقبمانده گرفت و شعار فقط کار مداوم فرهنگی و آگاهگری از پایین را خط بطلان کشید. باید علیه ناسیونالیسم و مذهب که هر کدام بخشهایی از ارتجاع هستند ایستاد. تغییر و دگرگونی باید از نقطه ای شروع شود. باید در این مقطع از تاریخ بشر، مانند نهضت آزادیخواهی در فرانسه و اروپا، در نقطه ای از دنیا اتفاقی بیافتد.

این نقطه امروز ایران است. یک پای ارتجاع ضد زن در منطقه حاکمیت اسلام سیاسی در ایران است. اگر ما و نیروهای آزادیخواه و برابری طلب بتوانیم به این حاکمیت و جنبش ارتجاعی خاتمه دهیم و دست آن را از زندگی مردم کوتاه کنیم، اگر اسلام سیاسی عقب نشینی کند و جمهوری اسلامی سرنگون شود، در بخش وسیعی از دنیا مذهب و مردسالاری و زن ستیزی عقب نشینی خواهد کرد. با رفتن حکومت اسلامی دیگر کشتن زنان آسان نیست. جمهوری اسلامی مرکز ثقل سنگسار و قتل و ترور و خشونت به زن در جهان است. باید قدرت را از حکومت اسلامی گرفت و قوانین ضد زن، ضد بشر و ضد کارگری اش را برای همیشه چال کرد.

فرهنگ و سنن و عادات مردم میاندازند و در همان حال باورها و عرف و سنن عقب مانده توده مردم را تقدیس میکنند.

مناسفانه در دل تمامی تحركات و اعتراضات وسیع و انساندوستانه یک واقعیت، یا بهتر است بگوییم، ضرورت غایب است و آنهم توجه و تاکید بر اختیار و اراده انسانها برای تغییر است. هنوز در این تحركات انسانی چه جمعی و چه فردی نقش اراده و اختیار انسان کم رنگ و ضعیف است. هنوز به ریشه نمیزند. با چیزی تعیین تکلیف نمیکند. به تراژدی انسانی خشونت و تبعیض نسبت به زن در جوامع عقبمانده و اسلام زده خاتمه نمیدهد.

زمانی و در یک مقطع مهم و سرنوشت ساز تاریخی جنبش سکولاریسم در اروپا براه میافتد، دست مذهب را از جامعه کوتاه و آنرا بعنوان امر خصوصی انسانها در کلیساها محصور میکند و اعلام میشود زن و مرد برابرند. انقلاب سیاسی - فرهنگی ای که از فرانسه آغاز میشود در آن زمان حداقل نتیجه اش تامین برابری زن و مرد و برسمیت شناختن حقوق انسانی آنها در اروپا و بخشهایی دیگر از جهان است. یک جنبش اجتماعی عظیم و قدرتمند که به دخالت مذهب در زندگی مردم و اداره جامعه پایان میدهد. در حالیکه پس از دهه ها، علی رغم نشان دادن زیباترین احساسات انسانی و بیشترین اعتراضات و تحركات اجتماعی، معضلات بزرگ بشر در بخشهای وسیعی از جهان همچنان به قوت خود باقی است.

اما هنوز این پایان ماجرا و ختم تراژدیهای در حال تکوین و وقوع نیست. باید به درستی ریشه های این مصائب و بانیان و مسببینش را شناخت و به جامعه شناساند و همزمان راه حل نشان داد. راه حل موثر و کارساز که ریشه این جنایات را از جوامع بشری بخشکاند.

حتی فقط تغییرقانون نمیتواند هدف باشد چراکه در خیلی جاها قتل و سنگسار زن غیر قانونی است و جرم محسوب میشود. اما هنوز قتل و کشتار و سنگسار زنان وجود دارد.

قانون علیه جنایت و آدمکشی در همینجا هم وجود دارد اما کافی و کارساز نیست. چون قانونگذاران و مجریان قانون خود به ارتجاع و مذهب تکیه دارند.

درمورد قتل "دعا" سینه زنی ناسیونالیستها و قومپرستان از یک طرف و دخالت تروریستهای اسلامی از سوی دیگر دو روی یک سکه اند. حاکمان امروز، خود ارتجاع را دامن میزنند، مذهب را مبنای قوانین خانواده قرار میدهند، دست مساجد را باز میگذارند. از سویی این جنایات را محکوم میکنند اما در همان حال حکومتشان بر ارتجاع و عقب ماندگی جامعه متکی است و البته بر بی اختیاری مردم هم!

این جنایات هر دلیل و توجیهی داشته باشد جامعه و مردم حق طلب باید کربان حاکمان کنونی را بگیرند. آنها باید پاسخگو باشند. آنان ریاکارانه معضلات اجتماعی را به گردن

سخنرانی مریم افراسیابپور در تجمع ۲۵۰۰ نفره کارگران سوئد و فراخوان دفاع از کارگران ایران

روز اول مه به فراخوان اتحادیه سراسری کارگران سوئد، بالغ بر ۲۵۰۰ نفر از کارگران و مردم در مرکز شهر وستروس جمع شدند. اولین سخنران این مراسم مریم افراسیابپور عضو کمیته مرکزی حزب حکمتیست بود. مریم در سخنان خود گفت: ما در شرایط آزادتر اینجا جمع شده ایم و روز جهانی کارگر را جشن میگیریم. در کشورهای دیگر و خصوصا ایران کارگران به جرم برگزاری روز کارگر تحت تعقیب و پیگرد پلیس قرار میگیرند، دستگیر و ربوده میشوند. جمهوری اسلامی زنان را به بهانه عدم رعایت حجاب اسلامی، معلمان را بخاطر درخواست مطالبات بر حق خود، دانشجویان را به جرم دفاع از آزادی انسان، مورد ضرب و شتم قرار میدهد و زندانی شکنجه میکند. ما باید قبول کنیم که نه سوئد و نه ایران جزیره ای متروک نیستند و تمام کارگران در سراسر دنیا همسرنوشتند. هم اکنون تعداد زیادی از کارگران ایران بچ جرم اعتراض به فقر و بی حقوقی زندانند. محمود صالحی یکی از فعالین کارگری در سقز به جرم برگزاری مراسم روز کارگر دستگیر و در زندان است. من از هم شما میخواهم علیه بی حقوقی کارگران ایران به جمهوری اسلامی اعتراض کنید. از کمپین اعلام شده در دفاع از محمود صالح و برای آزادی فوری او و لغو احکام زندان تعلیقی برای برهان دیوارگر، محسن حکیمی و جلال حسینی حمایت کنید و جمهوری اسلامی را بدلیل زیر پا گذاشتن حقوق بشر محکوم کنید. کارگران ایران، کارگران زندانی و فرزندان آنها به پشتیبانی ما و شما حاضرین احتیاج دارند.

مریم افراسیابپور همزمان کمپین برای آزادی محمود صالحی که از جانب برهان دیوارگر از فعالین کارگری و از متهمان اول مه سقز راه افتاده است را معرفی کرد و خواهان امضای توماری اعتراضی به جمهوری اسلامی و برای آزادی فوری محمود صالحی و لغو احکام برهان دیوارگر، محسن حکیمی و جلال حسینی شد. با فراخوان مریم افراسیابپور تعدادی از کارگران اتحادیه سراسری کارگران و جوانان سوئد، متن آماده شده کمپین آزادی محمود صالحی را تحویل گرفته و ۵۰۰ نفر پای آن امضا گذاشتند. بعد از سخنرانی مریم افراسیابپور، خانم ماریتا اول سکوگ از حزب سوسیال دمکرات و سوانته بیلوند مسئول اتحادیه کارگران ال او در منطقه وساملانند بمناسبت اول ماه مه سخنرانی کردند. آنها نیز در سخنان خود به وضع کارگران ایران اشاره کرده و ضمن دفاع از مبارزات آنها از کمپین اعلام شده توسط مریم افراسیابپور دفاع کرده و خواهان آزادی فوری محمود صالحی و لغو احکام برهان دیوارگر، محسن حکیمی و جلال حسینی شدند. تومار اعتراضی قرار است همراه نامه ای از اتحادیه سراسری کارگران سوئد (ال او) از جانب این اتحادیه برای مقامات جمهوری اسلامی ارسال شود.